

Abstract

Joint stock companies that are managed in a general and specific manner, depending on their scope of activity in business affairs and the negligence of some managers, are required to compensate damages, and in this regard, various lawsuits are filed in judicial authorities. Compensation is considered by the directors of joint stock companies in Iranian law according to its jurisprudential and legal origin according to the principles of civil liability such as the rule of no harm, causation, loss as well as the theory of fault, danger, mixed and guarantee of rights. According to Articles ۱۴۲ and ۱۴۳ of the Trade Law Amendment Bill approved in ۱۳۴۷, the members of the Board of Directors against any negligence and negligence of themselves and other members, which will lead to damage or loss to the company. They are individually and collectively liable to shareholders and third parties, and in American law, which is the source of the common law jurisprudence, the liability of corporate directors is assessed in terms of the type, extent and degree of fault. As a result, the element of fault in both Iranian and American legal systems is considered as a criterion for identifying the civil liability of directors of joint stock companies, although in Iranian law as in American law, a clear and comprehensive criterion for attributing fault and the obligation to compensate corporate managers. There is no stock and often, various theories have been studied in order to identify the fault that have not provided a suitable and uniform solution.

Keywords: fault, special, joint stock company, general, civil liability

ماهنامه علمی (مقاله علمی_ پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره ۵۵، دی ۱۴۰۱، صص ۱۷۸۷-۱۸۰۵

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.318332.2758>

مبانی ارزیابی و انتساب مسئولیت مدنی مدیران در شرکت های سهامی ایران و آمریکا

تیمور محمدی^۱

علیرضا لطفی^۲

ابراهیم نوشادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

چکیده

شرکت های سهامی که به صورت عام و خاص اداره می شوند با توجه به حیطة ی فعالیت آنها در امور تجاری و قصور برخی مدیران، مستلزم جبران خسارت هستند و در این خصوص، طرح دعاوی مختلفی در مراجع قضایی مشاهده می شود. جبران خسارت از سوی مدیران شرکت های سهامی در حقوق ایران با توجه به منشأ فقهی و حقوقی آن بر حسب مبانی مسئولیت مدنی همچون قاعده ی لاضرر، تسبیب، اتلاف و همچنین نظریه تقصیر، خطر، مختلط و تضمین حق مورد مطالعه قرار می گیرد به طوری که طبق مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، اعضاء هیئت مدیره در برابر هر گونه قصور و سهل انگاری خویش و دیگر اعضاء، که منجر به ورود خسارت و یا ضرر به شرکت شود، به صورت فردی و گروهی در مقابل سهامداران و اشخاص ثالث مسئول می باشند و در حقوق آمریکا که منشأ آن رویه ی قضایی نظام حقوقی کامن لا می باشد بر حسب نوع، میزان و درجه تقصیر، مسئولیت مدیران شرکت های سهامی مورد ارزیابی قرار گرفته است و در نتیجه عنصر تقصیر در هر دو نظام حقوقی ایران و آمریکا به عنوان معیار شناسایی مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی مورد نظر است هر چند که در حقوق ایران همچون حقوق آمریکا معیار مشخص و جامعی در راستای انتساب تقصیر و الزام به جبران خسارت مدیران شرکت های سهامی وجود ندارد و اغلب، نظریات مختلفی در راستای شناسایی تقصیر مورد مطالعه قرار گرفته است که راهکار مناسب و واحدی را ارائه ننموده اند.

کلید واژگان: تقصیر، خاص، شرکت سهامی، عام، مسئولیت مدنی.

دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران^۱

استادیار گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران^۲

استادیار گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران^۳

مقدمه

موضوع مسئولیت مدنی پیشینه ای دیرین از زمان باستان، اسلام و پس از آن دارد که در هر دوره ای اسنادی را از خود به جای گذاشته است به طوری که امروزه موضوع این نهاد، وسعت یافته و در راستای شرکت های تجاری از جمله شرکت های سهامی نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. از این رو در مقاله ی حاضر با توجه به اهمیت بحث مسئولیت مدیران شرکت های سهامی در حقوق ایران و آمریکا به دلیل عدم مطالعه ی تطبیقی در این خصوص، به مطالعه خواهیم پرداخت. با توجه به ماده یک لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت سهامداران در این شرکت محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است. شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می شود که عبارتند از: شرکت سهامی عام و شرکت سهامی خاص. شرکت سهامی عام شرکتی است که مؤسسين آن قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می نمایند و شرکت سهامی خاص شرکتی است که تمام سرمایه ی آن در زمان تأسیس منحصراً توسط مؤسسين تأمین می شود. صاحبان سهام در شرکتهای سهامی به طور انفرادی حق بررسی و دخالت در امور شرکت را ندارند که البته این امر مقتضی حسن جریان نظارت بر امور شرکت و تصمیمات آن است. با توجه به این تعریف هر شرکت سهامی دارای مدیرانی است که می توانند مرتکب قصور گردند و مسئولیت ایجاد نمایند؛ برای مثال شرکت سهامی الف در تقسیم سهم شرکت اقدام به تصرف مبلغ سود برخی از شرکاء می نماید که این موضوع می تواند علی رغم مسئولیت کیفری دارای مسئولیت مدنی باشد؛ به طوری که طبق مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، اعضاء هیئت مدیره در برابر هر گونه قصور و سهل انگاری خویش و دیگر اعضاء، که منجر به ورود خسارت به شرکت شود، به صورت فردی و گروهی در مقابل سهامداران و اشخاص ثالث مسئولیت دارند. از این رو معیار احراز این نوع مسئولیت را می توان در حقوق ایران و آمریکا یا نظام حقوقی کامن لا بر اساس مبانی مختلفی مورد ارزیابی قرار داد. در حقوق ایران ملاک ارزیابی مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی بر حسب قاعده ی لاضرر، تسبیب و امثالهم در کنار نظریه تقصیر، خطر، مختلط و تضمین حق مورد مطالعه قرار می گیرد که این موضوع در حقوق آمریکا بر اساس درجات تقصیر سنجیده می شود. از این رو این مسئله مطرح می گردد که آیا مبنای تقصیر و مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی در حقوق ایران در مقایسه با حقوق آمریکا مشابهت دارد؟ که پاسخ به مسئله ی مزبور می بایست در ذیل مبانی آن مورد مطالعه قرار گیرد که هدف در مقاله ی حاضر، بررسی مسئله ی مزبور در پیرامون مسائل دیگر به شیوه ی کتابخانه ای و به صورت تحلیل و توصیف صورت خواهد گرفت که در ابتدای بحث با ماهیت مسئولیت مدنی و شرکت های سهامی آشنا خواهیم شد و به بررسی مبانی ارزیابی و

انتساب مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی خواهیم پرداخت.

۱- ماهیت شناسی

در پیرامون موضوع مقاله ی حاضر، آشنایی با ماهیت و مفهوم مسئولیت مدنی و شرکت های سهامی در جهت مطالعه ی مبانی ارزیابی و انتساب مسئولیت مدنی مدیران در شرکت های سهامی از اهمیت برخوردار خواهد بود که ذیلاً در دو بخش مستقل به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۱-۱- ماهیت و معنای مسئولیت مدنی

در ابتدای امر در دو حقوق نوشته ی ایران و آمریکا به بررسی ماهیت نهاد مسئولیت مدنی خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱- حقوق ایران

مسئولیت از «سأل يسأل» به معنی «موظف بودن به انجام دادن امری» آمده است (معین، ۱۳۷۱: ۴۰۷). به عبارتی مورد مؤاخذه قرار گرفتن از چیزی است و این مفهوم فرع بر وجود وظیفه و تعهدی قبلی است (یزدانیان، ۱۳۷۹: ۲۶). علی هذا مسئولیت مدنی در معنای وسیع، مسئولیت های ناشی از نقض قرارداد و مسئولیت های غیر قراردادی، یعنی مسئولیت ناشی از رفتار زیان بار را در بر می گیرد. زیرا صرف نظر از مبانی مشابه و مشترک در هر دو نوع مسئولیت، ماهیت آنها را نیز می توان یکسان تلقی کرد. اما در معنای خاص، مسئولیت مدنی به مسئولیت غیر قراردادی اطلاق می شود. مسئولیت مدنی در مفهوم کلی و عمومی خود عبارت است از مسئولیت جبران خسارات ناشی از رفتارهای زیانبار (ره پیک، ۱۳۸۸: ۲۲) که این موضوع در راستای مسئولیت مدیران در شرکت های سهامی نیز صدق می کند به طوری که اگر مدیر شرکتی با رفتار زیانبار خود موجب ضرر و زیان سایر شرکاء گردد این امر مسئولیت آور خواهد بود.

اگر کسی به حیثیت و اعتبار شخصی و خانوادگی یا اموال و حقوق مالی دیگری در اثنای کار تجاری در شرکت های سهامی لطمه وارد کند، آیا زیان دیده می تواند جبران خسارت وارده را از عامل زیان بخواهد؟ نظریه ی مسئولیت مدنی به این سؤال پاسخ داده و تصریح می کند که در چه شرایطی خسارت وارده را می توان از عامل زیان مطالبه کرد. به عبارت دیگر در زبان حقوقی، جز در موارد استثنایی، منظور از مسئولیت مدنی تعهد به جبران خسارت است (حکمت نیا، ۱۳۸۹: ۲۷). بنابراین ضمانت اجرای نقض قواعد و مقرراتی که باعث اضرار به شهروندان گردد مسئولیت مدنی است و به عبارتی تعهد و الزام به جبران خسارت وارده به دیگران را مسئولیت مدنی نامند (یزدانیان، ۱۳۸۶: ۴۶).

اصطلاح مسئولیت مدنی که به آن «ضمان قهری»، «الزامات خارج از قرارداد» و «مسئولیت غیر قراردادی» نیز گفته شده است، ترجمه ی اصطلاح فرانسوی (Responsabilite Civile) است. با وجود این،

گاهی اصطلاح مسئولیت مدنی در معنای وسیع تری به کار برده می شود که در این صورت، هم مسئولیت مدنی قراردادی را در بر می گیرد و هم مسئولیت مدنی غیر قراردادی را مشمول می گردد (حیاتی، ۱۳۹۲: ۱۸). در تعریفی دیگر نیز مسئولیت مدنی عبارت است از: «التزام و تعهد قانونی شخص به جبران ضرر و زیانی که در نتیجه عمل مستند به او به دیگری وارد شده است.» (باریکلو، ۱۳۹۳: ۲۴) مسئولیت مدنی، مفاهیمی چون خسارت، ترمیم خسارت و جبران خسارت زیان دیدگان را به یاد می آورد (ژوردن، ۱۳۹۱: ۳۱).

با این حال اصطلاح مسئولیت مدنی در مقابل مسئولیت کیفری قرار دارد و منظور از آن، مسئولیتی است که شخص در مقابل زیان هایی که فرد یا افراد و یا اشیاء تحت نظارت وی به اشخاص یا اموال آنها وارد می کند، دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۶۴۵). به عبارت دیگر در هر موردی که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، می گویند که وی در برابر شخص جبران خسارت شونده دارای مسئولیت مدنی است و بر مبنای این مسئولیت، شخص زیان رساننده، ملزم به جبران زیان و ضرر وارده به متضرر می شود. این نوع مسئولیت، براساس یک رابطه دینی بین زیان دیده و زیان زننده ایجاد می شود و اصطلاحاتی نظیر بدهکار و طلبکار، پرداخت دین و بدهی، در این نوع مسئولیت استعمال می گردد (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۱۰-۹). با این حال ماهیت مسئولیت مدنی در راستای شرکت های سهامی بدین مفهوم است که در صورت قصور و اثبات ارکان مسئولیت مدنی در خصوص مدیران یا هر یک از سهام داران، قاصر ملزم به جبران خسارت خواهد بود.

۱-۱-۲- حقوق آمریکا

برای شناسایی مفهوم مسئولیت مدنی در حقوق آمریکا، می بایست با مفهوم پرکاربرد تقصیر آشنا شد، چرا که این کلمه به جای لفظ مسئولیت مدنی استعمال می شود. در حقوق کامن لا (آمریکا و انگلیس) از واژه Damage^۱ برای تعریف ضرر و خسارت استفاده شده است. (Gregore, ۱۹۸۹: ۲۰) و در توصیف آن همانند حقوق ایران از الفاظ و کلمات مشابه و معادل از قبیل ضرر و زیان (Loss)، لطمه و صدمه بدنی (Injury)، هر گونه آسیب (Detriment) بهره گیری شده است. ضرر ممکن است به شخص (Person) یا اموال (Property) او وارد شده باشد. اما صیغه جمع این کلمه (Damages) متمایز از صیغه مفرد آن و به معنای تاوان یا غرامت پولی (pecuniary compensation) است که در مقام جبران ضرر یا زیانهای وارده به شخص یا اموال او در اثر ارتکاب یک فعل غیر قانونی (an unlawful act)، ترک فعل (Omission) یا عمل خطاکارانه (wrong act) حکم به پرداخت می شود به طوری که این موضوع می تواند در راستای شرکای شرکت سهامی نیز اتفاق افتد. علی هذا مسئولیت مدنی در حقوق کامن لا به ویژه آمریکا به هر فعل و عملی

^۱ در ادبیات لاتین و زبان انگلیسی واژه damage معادل damnum می باشد که در همین خصوص خسارات مادی وارده را Damnum emergens و خسارات عدم النفع را lucrum cassans نامیده اند.

صدق می نماید که تقصیر یا قصور فرد در آن فعل و عمل احراز گردد خواه این موضوع در راستای شرکت سهامی باشد و خواه غیر آن که جبران خسارت پس از احراز مسئولیت و تقصیر شخص عملی خواهد شد.

۱-۲-۱- ماهیت شرکت سهامی

۱-۲-۱-۱- حقوق ایران

قانون تجارت ایران، تشکیل شرکت های سهامی را بر اساس عقد و آزادی قراردادهای خصوصی قرار داده و هیچگونه اجازه قبلی برای تأسیس آن پیش‌بینی نکرده است ولی امروزه این نظریه که شرکت‌های سهامی در اثر عقد شرکت و قراردادی که بین شرکاء منعقد می‌شود به وجود می‌آیند و به فعالیت خود ادامه می‌دهند، طرفداران زیادی ندارد؛ زیرا شرکت‌های سهامی به معنای واقعی بزرگ بین کسانی تشکیل می‌شود که اغلب یکدیگر را نمی‌شناسند؛ دائماً سهامداران آن‌ها تغییر می‌کنند؛ بعد از تشکیل شرکت نیز اساسنامه و مقررات مورد تصویب اکثریت سهامداران ممکن است تغییر کند و اداره شرکت طبق قانون با ارکان مختلف شرکت باشند که نماینده شخصی شرکاء نیستند بلکه نماینده شرکت به معنی شخصیت حقوقی مستقل می‌باشد به این جهت امروزه این نظریه که شرکت، سازمان حقوقی مستقلی که تابع شرایط خاصی است و طرفداران زیادی دارد (ستوده تهرانی، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۵). با این وجود نیز، امکان ضرر و زیان وجود دارد و مدیران اینگونه شرکت‌ها در صورت قصور و احراز تقصیر آنان، ملزم به جبران خسارت می‌باشند.

لازم به ذکر است که مسئولیت مدنی مدیران در شرکت های سهامی عام و خاص در ماده ی ۲۷۰ قانون تجارت مورد پیش بینی قرار گرفته و قانونگذار بیان می‌دارد که هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد و رعایت نشود بر حسب مورد بنا به درخواست هر ذینفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلام خواهد شد. لیکن مدیران سهام شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند در این ماده مسئولیت مدنی مدیران شرکت محرز است.

۱-۲-۱-۲- حقوق آمریکا

در کشور آمریکا شرکت های سهامی که از آنها به corporations تعبیر می‌شود شخصیت حقوقی پیدا نمی‌کنند، مگر آنکه اساسنامه ی آنها به ثبت برسد. در حقوق آمریکا، سهامداران در اداره شرکت از آزادی زیادی برخوردارند اگر چه تأسیس و اداره شرکت های سهامی تابع حقوق ایالات است. در خصوص شرکت های سهامی که در راستای شرکت اشخاص مختلفی شکل می‌گیرد، تقصیر هر یک از شرکاء و مدیران می‌تواند مسئولیت مدنی را پدید آورد چنانچه که پیش از این توضیح داده شد که تقصیر و درجه ی آن در حقوق آمریکا می‌تواند میزان مسئولیت مدنی را مشخص کند.

۲- مبانی

مبانی مسئولیت مدنی مدیران در شرکت های سهامی با توجه به منشأ فقهی و رویه ی قضایی موجود در هر حقوق نوشته متفاوت است و از این رو می توان مطالعات گسترده ای را در راستای مبنانگری یا مبناسازی این نوع مسئولیت انجام داد که ذیلاً به طور مستقل در حقوق ایران و آمریکا بدان اشاره خواهد شد.

۲-۱-۱- حقوق ایران

مبنای مسئولیت مدنی مدیران در شرکت های سهامی در حقوق ایران را می توان از دو منشأ فقهی و حقوقی می توان مورد مطالعه قرار داد.

۲-۱-۱-۱- فقهی

۲-۱-۱-۱-۱- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر، در فقه امامیه، بر خلاف اهل سنت که از لاضرر به نحو بسیار وسیعی برای جبران خسارت و اثبات ضمان، استفاده کرده اند، قاعده ای بحث بر انگیز است و معانی مختلفی از آن شده است (داراب پور، ۱۳۹۰: ۲۷۵-۲۷۴). در فرض حکومت قاعده ی لاضرر در مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی، بایستی توجه نمود که اصل بر این است که هیچ ضرری از سوی مدیران وارد نشود. روایت لاضرر در کتب فریقین به طور متواتر موجود است که می توان در راستای مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی نیز مورد مطالعه قرار داد. کلینی (ره) در کتاب کافی در قضیه ی «سمره بن جندب» آن را از ابن بکیر از زراره از ابی جعفر (ع)، پس از بیان جریان میان انصاری و سمره بن جندب و فرمایش پیامبر اکرم (ص)، نقل می کند که آن حضرت (ص) به انصاری فرمود که «إذهب فاقلعها و ارم بها الیه فانه لاضرر و لاضرار». در یکی دیگر از طرق حدیث از عبدالله بن مسکان از زراره از ابی جعفر (ع) نقل شده است که قال رسول الله (ص): «إنک یا سمره رجل مضار و لاضرر و لاضرار علی المؤمن». صدوق (ره) در کتاب من لایحضره الفقیه در باب میراث اهل ملل، روایت را با اضافه ی کلمه ی اسلام نقل می کند که قال رسول الله (ص): «لاضرر و لاضرار فی الاسلام». صرف نظر از دلایل لفظی در مورد قاعده ضرر، به نظر می رسد بنای عقلاً پشتوانه محکمی برای این قاعده محسوب است. بی تردید بنای عقلاً در این امر محقق است که در زندگی اجتماعی و مدنی، زیان رساندن به دیگران اولاً امری ناپسند است و ثانیاً عامل زیان در مقابل زیان دیده مسئول پرداخت است و لذا این اصل در کلیه سیستم های حقوقی پذیرفته شده و در مورد چنین بنایی از ناحیه شرع مقدس، ردع و منعی که از این رهگذر، امضای شارع احراز می گردد. البته این نکته از نظر دور نماند که با توجه به این دلیل، بسیاری از مشکلات در مورد قاعده لاضرر از میان برداشته می شود. برای مثال، بحث این که آیا قاعده لاضرر می تواند وضع ضمان کند یا

خیر ناشی از تفسیر «لا» در جمله لاضرر و لاضرار است، ولی در تمسک به بنای خردمندان طبعاً پاسخ روشن است (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۵۱). با این حال نمی توان از مبنای مهم مسؤلیت مدنی مدیران در شرکت های سهامی با توجه به قاعده ی لاضرر غافل شد و این مبنا متذکر آن است که هر مدیری در شرکت سهامی موجب ایجاد ضرر شود، مسئول خواهد بود. غالب حقوقدانان و فقها بهترین مبنا در باب مسؤلیت مدنی را قاعده ی لاضرر عنوان نموده اند که مبنای مزبور در راستای مسؤلیت مدنی مدیران شرکت های تجاری نیز صادق است.

۲-۱-۱-۱-۲- قاعده اتلاف

قانونگذار ایران با الهام از قاعده ی یاد شده در ماده ی ۳۲۸ قانون مدنی اعلام می دارد: «هرکس مال غیر را تلف کند، ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد، اعم از این که از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از این که عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند، ضامن نقص قیمت آن مال است.» ملاحظه می گردد در این ماده هیچ اشاره ای به عنصر تقصیر برای تحقق مسؤلیت مدنی نشده است، چرا که بین فعل زیانبار و تلف آن چنان رابطه ای وجود دارد که عرف برای درک عنصر انتساب، نیازی به عمدی دیگر نمی بیند (غلامعلی زاده، ۱۳۹۳: ۶۷). بنابراین اگر مدیر شرکت سهامی، اقدام به اتلاف اموال شرکاء یا سهام منقول شرکاء نماید بالتبع ضامن اتلاف به وجود آمده خواهد بود. قاعده ی اتلاف می تواند به عنوان یکی از موجبات ضمان در مسؤلیت مدنی مدیران شرکت سهامی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد، مستند این قاعده، این آیه شریفه است که بعضی از قداما، از جمله شیخ طوسی در مبسوط به آن اشاره کرده اند: «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ...» (بقره، آیه ی ۱۹۰) هر کس به شما تجاوز کرد پس بر او به مانند آنچه بر شما تجاوز کرده است تجاوز کنید. مستند این قاعده در روایات نیز چنین بیان شده: «شیخ طوسی در مبسوط روایتی از عبدالله بن مسعود از رسول اکرم (ص) نقل کرده است که آن حضرت (ص) فرموده است: «حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ لِحُرْمَةِ دَمِهِ» (طوسی، ۱۳۵۱: ۵۹) یعنی احترام مال مسلمان، مانند احترام خود او است. اگر اهمیت مال مسلمان مانند خون او باشد، چنانچه مقداری از آن تلف شود، موجب ضمان خواهد بود (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۱۰). بنابراین با استناد به این مبنا از مسؤلیت مدنی می توان عنوان داشت که قاعده ی اتلاف هر گونه ضراری را که از سوی مدیران شرکت های سهامی رخ می دهد پذیرش نمی کند و هرگونه اضرار را محکوم به جبران می داند چنانچه که این موضوع در روایات مختلفی که در صدر آمد مورد تأیید قرار گرفته است.

۲-۱-۱-۱-۳- قاعده تسبیب

در کنار قاعده اتلاف بالمباشره، فقها از قاعده تسبیب (اتلاف مع الواسطه) در مسؤلیت مدنی سخن گفته اند (غلامعلی زاده، ۱۳۹۳: ۶۸). پس از قاعده ی لاضرر و اتلاف، قاعده ی تسبیب را نیز می توان به عنوان مبنای مسؤلیت مدنی مدیران شرکت های سهامی مورد مطالعه قرار داد. قاعده ی تسبیب می تواند به عنوان یک

رابطه‌ی انتسابی در شناسایی عامل مقصر در مسئولیت مدنی مدیران شرکت‌های سهامی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. برای نمونه در مسئولیت مدنی مدیران شرکت‌های سهامی نیز عنوان گردیده، رابطه‌ی سبب طولی و عرضی برای شناسایی مقصر از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد؛ کما آنکه یافتن این رابطه نیازمند تدقیق در موضوع و نحوه‌ی تقصیر در اسباب است. بحث تسبیب، طبق رویه معمول نزد فقها، بلافاصله در ذیل عنوان اتلاف مطرح می‌شود؛ زیرا در حقیقت، تسبیب نوعی از اتلاف است؛ به این تعبیر که در اتلاف، شخص مستقیماً و بالمباشره باعث اتلاف مالی می‌گردد، ولی در تسبیب، عمل مسبب مع الواسطه سبب می‌شود که مال غیر از بین برود. برای مثال، اگر مدیر شرکت سهامی مال منقول و یا غیرمنقول دیگری را مباشرتاً آتش بزند متلف است، اما اگر در راستای سودبری شرکت اقدام به عملی نماید که سودبری شرکت از مسیر خود خارج شود و سبب آن گردد که شرکاء زیان ببینند، مسبب است. در مورد سبب گفته شده، هر چیز که از وجودش وجود دیگری لازم نیاید، ولی از عدمش عدم دیگری لازم بیاید، «سبب» است، در مقابل «علت»؛ بدین نحو که هرگاه رابطه بین دو چیز به گونه‌ای باشد که از وجود یکی وجود دیگری و از عدم یکی عدم دیگری لازم بیاید، آن «یکی» را علت تامه دیگری می‌گویند. پس علت تامه و سبب با وجود مشابهت، دو چیز متفاوتند (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۱۷). با این وجود در استناد به مسئولیت مدنی مدیران شرکت‌های سهامی، می‌بایست احراز رابطه‌ی سببیت ممکن باشد.

۲-۱-۱-۱-۴- قاعده استیمان

در مورد امین، قاعده در حقوق ایران، این است که: امین مادامی که تعدی و تفریط ننموده است ضامن نمی‌باشد؛ اگر فرض را بر امین بودن مدیر شرکت سهامی بدانیم با توجه به قاعده‌ی مزبور نمی‌توان ضامن را ثابت دانست. حقوقدانان عقیده دارند: هرگاه از طرف مالک یا شارع مقدس به کسی اذن داده شود که مالی را در تصرف و اختیار داشته باشد، خواه به جهت حفظ آن برای مالک باشد (مثل ودیعه) خواه به جهت استفاده از آن (مثل عاریه، اجاره، وکالت، رهن، مضاربه، مساقات، وصایات و شراکت) و این مال بدون اینکه شخص مأذون، تعدی و تفریط نموده باشد تلف گردد، آن شخص مسئولیت مدنی برای پرداخت خسارت ندارد (داراب پور، ۱۳۹۰: ۲۶۲). این قاعده در متون فقهی چنین آمده است. «امین ضامن نیست، مگر با تعدی و تفریط». معنای «مگر» در اینجا آن است که در فرض تعدی و تفریط، ید امین از امانی بودن خارج و ضمانی می‌شود و طبعاً تلف و نقصی که تحت ید ضمانی محقق می‌گردد بر عهده متصرف است. بنابراین قاعده‌ی استیمان می‌تواند یکی از مهمترین قواعد فقهی در راستای مسئولیت مدنی مدیران شرکت سهامی باشد به طوری که ید مدیران شرکت سهامی به صورت امانی است و در صورت اثبات امانی بودن، مدیران شرکت ضامن نخواهند بود.

در پاسخ این پرسش که چرا مدیران شرکت های سهامی در برابر دیگری مسئول جبران خسارت حاصل از ضرر وارده ی خویش می شوند؟ پیروان نظریه ی تقصیر گفته اند، کسی را باید مسئول شناخت که از نظر اخلاقی نسبت به کاری که انجام داده است قابل ملامت باشد، بر طبق این نظر، مسئولیت مفهوم اخلاقی است. با توجه به این موضوع، مدیران شرکت های سهامی در صورت احراز تقصیر بر اساس نظریه ی مزبور ملزم به جبران خسارت می باشند. هر کس باید در گرو خطاهای خود باشد و به طور نوعی نمی توان در این باره داوری کرد. بر مبنای نظریه ی تقصیر، برای این که زیان دیده بتواند خسارت خود را از کسی بخواهد، باید ثابت کند که تقصیر او سبب ورود خسارت شده است. در احراز تقصیر، زیان دیده نقش مدعی را دارد و باید دلایل اثبات آن را بیاورد. در مسئولیت های قراردادی، به طور معمول اثبات عدم انجام تعهد برای این منظور کافی است و متعهد در صورتی از مسئولیت معاف می شود که ثابت کند مانع قهری و احتراز ناپذیر و پیش بینی نشده ی (قوه ی قاهره) او را از اجرای قرارداد باز داشته است. ولی، در مسئولیت های قهری، تقصیر همیشه برخلاف اصل است و نیاز به اثبات دارد و زیان دیده «مدعی» به شمار می آید (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۲-۲۱). از این رو یکی از مهم ترین نظریه ها، نظریه ی تقصیر است. در این نظریه مسئولیت بر پایه ی تفسیر نهاده شده است. فاعل زیان همچون مدیران شرکت های سهامی هنگامی زیان ها را جبران می کند که مرتکب تقصیر شده باشد و زیان دیده تقصیر او را ثابت نماید. بر مبنای این نظریه مسئولیت خوانده فقط به خاطر تقصیری است که مرتکب شده است و زیان دیده باید به عنوان مدعی، تقصیر و رابطه ی علّیت بین تقصیر فاعل زیان و زیان ها را اثبات کند (قاسم زاده، ۱۳۹۰: ۲۵). بر مبنای این نظریه، دلیل و وجه اصلی مسئولیت مدیران شرکت های سهامی، عامل فعل زیانبار در قبال زیان دیده، تقصیر او است و طرفداران آن قصد داشتند که مسئول و عامل فعل زیانبار را اقناع و ارضاء وجدانی نمایند و به او خاطر نشان کنند که این وجدان او است که او را مسئول جبران ضرر می داند و حکم قانونگذار به مسئولیت و لزوم جبران ضرر وارده بر دیگری، مطابق با حکم وجدان است (باریکلو، ۱۳۹۳: ۴۹). علی ایحال با توجه به نظریه ی تقصیر، در صورت احراز تقصیر مدیران شرکت های سهامی می توان بر مبنای این نظریه مدیر شرکت قاصر را ملزم به جبران خسارت نمود. با این حال این نظریه در برخی مواد قانون مدنی مورد استناد قرار گرفته است که هر چند این نظریه در کنار نظریه خطر به صورت همزمان در حقوق ایران مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۱-۱-۲-۲- نظریه ی خطر

به ظاهر، مفهوم خطر در راستای مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی بدیهی به نظر می رسد. زیرا خطر (ریسک) نیز مانند تقصیر یک مفهوم عرفی است. ولی چنانکه خواهد آمد حقوقدانان در تبیین مفهوم آن اختلاف نظر دارند. ولی باید به این نکته مهم توجه کرد که خطر یک مفهوم ایجابی است نه سلبی. بنابراین هر مسئولیت بدون تقصیر، مبتنی بر خطر نیست. از مهمترین عوامل مؤثر در تکوین و تحقق نظریه ی خطر، عامل عملی یعنی مشکل بودن اثبات تقصیر از جانب زیان دیده است. این سبب به ویژه در موارد یاد شده موجب برداشته شدن عنصر تقصیر از حوزه ی مسئولیت مدنی گردید و عنصر تقصیر از ارکان مسئولیت مدنی برای تسهیل اثبات مسئولیت و سهولت جبران خسارت حذف شد (قاسم زاده، ۱۳۹۰: ۳۰). به موجب این نظریه، هر مدیر شرکت سهامی به فعالیتی بپردازد، محیط خطرناکی برای دیگران به وجود می آورد و کسی که از این محیط منتفع می شود باید زیان های ناشی از آن را نیز جبران کند. با این ترتیب، مبنای مسئولیت مدنی مکافات تقصیر نیست، عوض سودی است که شخص از فراهم آوردن محیط خطرناک می برد. در مواردی که شخص به فعالیت مشروعی دست زده و بی آنکه تقصیری کرده باشد، به کسی خسارت زده است، زیان دیده و او هر دو بی گناه هستند. خسارتی که به بار آمده است باید به یکی از آن دو تحمیل شود. اتفاق زیان دیده را برگزیده است، ولی حقوق باید این بی عدالتی را جبران کند. زیرا، کسی که به فعالیت پرداخته تا از آن سود ببرد از کسی که هیچ نکرده و نفعی نبرده است برای تحمل ضرر شایسته تر است (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۳). در نتیجه بایستی بیان نمود که نظریه ی خطر دارای دو جنبه و بعد، یکی نفی کننده و دیگری اثبات کننده است. جنبه نفی کننده این نظریه، عبارت از این است که برای تحقق مسئولیت مدنی، وجود تقصیر لازم نیست و تقصیر باید از شرایط مسئولیت مدنی حذف شود. سالی در این باره معتقد است: رابطه ی مسئولیت مدنی رابطه ی بین دو دارایی است و رابطه ی بین دو شخص نیست، حقوقدانان به اشتباه رابطه ی مسئولیت مدنی را بین دو شخص تصور نموده اند و در نتیجه این تصور نادرست گرفتار عوامل روانی شده اند و آن را در تحقق مسئولیت مؤثر دانسته اند، در حالی که، رابطه ی مسئولیت مدنی رابطه ی بین دو دارایی است که این رابطه، یک رابطه ی نوعی و غیر شخصی است و ارتباطی با عوامل روانی و باطنی ندارد. بنابراین، تقصیر نقشی در تحقق مسئولیت مدنی ندارد (باریکلو، ۱۳۹۳: ۵۰).

براساس نظریه خطر، در صورت ورود ضرر، فاعل (مدیران شرکت سهامی) مسئول جبران خسارت هستند. به عبارت دیگر در این نظریه، اصل بر مسئولیت و جبران می باشد و به دلیل قرار نگرفتن این نظریه بر پایه تقصیر، اثبات عدم تقصیر یا رعایت احتیاط های لازم، تأثیری در مسئولیت ندارد. تنها راه برای خروج از مسئولیت، اثبات وجود علت خارجی است زیرا در صورت احراز علت خارجی، رابطه ی مفروض بین فاعل

(یا مالک) و خسارات قطع می شود و وی از مسؤلیت و جبران خسارات معاف خواهد شد. مصادیق این نظریه متعدد و متفاوت می باشد. در برخی موارد شخص به دلیل ایجاد محیط خطرناک مسؤلیت پیدا می کند. گاهی نیز در مقابل انتفاع شخص، مسؤلیت او افزایش می یابد. در مواردی به دلیل نزدیکی رابطه ی فاعل و خسارت، لزوم احراز تقصیر از بین می رود و رابطه عینی اهمیت پیدا می کند، قاعده اتلاف با نظریه خطر و مسؤلیت عینی مقایسه می شود (ره پیک، ۱۳۸۸: ۳۹). در خصوص این نظریه، برخی بر آن اند شخصی که از فعالیتی سود می برد، باید ضررهای ناشی از آن را ه تحمل کند و این امری طبیعی و موافق با اخلاق و عدالت است. این نظریه به نظریه خطر-نفع معروف است. بنابراین نظر، مقصود از نفع، سود مالی و اقتصادی است و فعالیت اقتصادی سودآور موجب مسؤلیت است، هر چند که تقصیری در میان نباشد. بنابراین برای مطالبه خسارت اثبات تقصیر یا حتی فرض تقصیر لازم نیست و زیان دیده فقط باید ثابت کند که ضرر ناشی از فعالیت سودآور خوانده بوده است. این نظریه الهام بخش قوانین راجع به حوادث کار و تأمین اجتماعی بوده که مسؤلیت بدون تقصیر را برای کارفرما پذیرفته اند. از قدیم ترین قوانین که از این نظریه الهام گرفته قانون ۱۸۹۸ فرانسه راجع به حوادث کار است که قانون تأمین اجتماعی ۱۹۴۶ آن را تکمیل کرد و جایگزین آن گردید. این قانون قابل مقایسه با قانون تأمین اجتماعی ایران مصوب ۱۳۵۴ است که به موجب آن می توان گفت مسؤلیت مبتنی بر نظریه ی خطر است؛ وانگهی این نظریه تحمیلی بر کارفرما نیست؛ زیرا کارفرما فقط حق بیمه می پردازد و آن را جزء هزینه های تولید منظور و در قیمت تمام شده کالا محاسبه می کند و پرداخت غرامت را سازمان تأمین اجتماعی بر عهده می گیرد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۶۹-۶۸). با توجه به این موضوع این نظریه در راستای مسؤلیت مدنی مدیران شرکت های سهامی می تواند مورد مطالعه قرار گیرد چرا که نظریه ی خطر بر آن است که محیطی که شخص در آن کار می کند و اگر خسارتی به شخص برسد مسؤل محیط یا مدیران شرکت سهامی مسؤل اند و هر چند که خسارت، منتسب به مدیران نباشد.

۲-۱-۱-۲-۳- نظریه های مختلط

مطابق نظریه ی مختلط هیچ یک از نظریه های تقصیر و خطر به تنهایی نمی تواند مبنا ی مسؤلیت مدنی مدیران شرکت های سهامی قرار بگیرد و در تمامی زمینه ها پاسخگوی نیازهای اساسی جامعه باشد بلکه در پاره ای از موارد اجرای نظریه ی تقصیر و در پاره ای دیگر، اعمال نظریه ی خطر مناسب تر است (قاسم زاده، ۱۳۹۰: ۴۰). با توجه به اشکالاتی که بر نظریه های تقصیر و خطر وارد بود و هیچ یک از آنها برای رفع نیازهای جامعه کافی نبود، نظریه های مختلط یا دوگانه که آمیخته ای از دو نظریه یاد شده بود پدید آمد که گونه های متفاوتی داشت: «۱- به اعتقاد برخی از علمای حقوق، تقصیر عادلانه ترین مبنا و منبع مسؤلیت و مبنا ی اصلی آن است و خطر به عنوان مبنا ی فرعی و ثانوی و هنگامی که انصاف اقتضا کند وارد عمل می شود. این مؤلفان

می خواهند مبنای تقصیر را که مبتنی بر اخلاق می دانند حفظ کنند و در عین حال با قبول نظریه خطر به عنوان مبنای ثانوی موارد متعدد مسئولیت بدون تقصیر را که در حقوق موضوعه دیده می شود توجیه کند. ۲- بسیاری از مؤلفان، از جمله ژوسران، حقوقدان بزرگ فرانسوی، بر آن است که مسئولیت دو قطب دارد: تقصیر و خطر که یکی را بر دیگری تفوق نیست؛ پس باید گستره آنها را مشخص کرد؛ مرز بین آنها با تفکیک بین مسئولیت ناشی از فعل شخصی و مسئولیت ناشی از فعل اشیاء و دیگران مشخص می شود؛ با این توضیح که مبنای مسئولیت در فرض اول تقصیر و در فرض دوم خطراست. طرفداران این نظریه در تأیید نظر خود به ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه برای مسئولیت ناشی از فعل شخصی و مواد ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ برای مسئولیت ناشی از فعل اشیاء و دیگران استناد می کنند. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۷۱-۷۰) بنابراین بر اساس نظریه ی مزبور، مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی می تواند بر حسب هر دو نظریه ی خطر و تقصیر مورد ارزیابی قرار گیرد که نظریه ی مزبور در حقوق ایران طرفداران زیادی دارد.

۲-۱-۱-۲- نظریه ی تضمین حق

این نظریه را حقوقدان شهیر فرانسوی بوریس استارک (Boris Starck) ارائه کرده است. ایشان برخلاف واضعان و طرفداران نظریه ی تقصیر و خطر به جای توجه و ارزیابی کار فاعل زیان به منافع از دست رفته ی زیان دیده و حقوق تضییع شده ی او عنایت داشته و همت خویش را در تضمین (Garantie) حقوق زیان دیده مصروف داشته است. به گفته ی استارک هر کسی در جامعه حق دارد با آسایش و امنیت زندگی کند و «نسبت به زندگی و تمامیت جسمی خود و نزدیکان خویش حق دارد» و می تواند از اموال و دارایی خویش منتفع شود و از مزایا و منافع آن بهره مند گردد. او رسالت قوانین و مقررات را در این دانسته است که از این گونه حقوق حمایت کند و برای متجاوزان آن ها ضمانت اجرای مناسبی قرار بدهد. این ضمانت در هر حال جبران زیان هایی است که فاعل زیان وارد می کند. به سخن دیگر تکلیف فاعل زیان بر جبران زیان ها به منظور تضمین حق امنیت زیان دیده است (قاسم زاده، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۷). بایستی توجه نمود که نظریات فوق، همگی به عنوان مبانی نظری مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی مطرح گردیده اند که می تواند از اهمیت اساسی برخوردار باشد با توجه به اینکه موضوع مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی در جای خود بر اساس هر نظریه ی پیش گفته به صورت مستقل می تواند مورد مطالعه قرار گیرد.

۲-۱-۲- حقوق آمریکا

مبانی حاکم بر مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی در حقوق آمریکا را می توان بر حسب نظریات مختلفی مورد مطالعه قرار داد که ذیلاً مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲-۱-۲-۱- قابل پیش بینی بودن ضرر

رویه قضایی در نظام حقوقی آمریکا، در مواردی که خسارت نتیجه مستقیم فعل زیانبار باشد، قابل پیش بینی بودن نوع ضرر را شرطی برای مطالبه ی ضرر می داند (نعمت الهی و سادات سید علی روته، ۱۳۹۸: ۷۹۶). این امر در حقوق ایران منطبق با نظری است که در مسئولیت بدون تقصیر (اتلاف بالمباشرة) نیز قابل پیش بینی بودن ضرر را در تحقق ضرر قابل جبران شرط می داند (خیاطی گرگری، ۱۳۹۵: ۸۰). بر این اساس مبنای مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی در حقوق آمریکا را می توان بر مبنای قابل پیش بینی بودن ضرر مورد ارزیابی قرار داد؛ در زمانی که شرط قابل پیش بینی بودن ضرر محرز نباشد ضرر غیرقابل جبران خواهد بود.

۲-۲-۱-۲- احراز تقصیر قاصر

در میان موارد و مبنای مسئولیت مدنی بر مبنای تقصیر، این عنوان می تواند سرتیتر موارد مسئولیت مدنی موجود در حقوق آمریکا محسوب گردد. در واقع کامل ترین ساختار مسئولیت مبتنی بر تقصیر در این عنوان نمودار گشته و موارد بسیاری از پرونده های مسئولیت مدنی از جمله مدیران شرکت های سهامی را در بر دارد (همان: ۶۳). از جهاتی نیز در راستای تقصیر، اصل اساسی مسئولیت مدنی در آمریکا و نظام حقوقی کامن لا مبتنی بر سهل انگاری عنوان شده است (کاظمی، ۱۳۹۳: ۲۶۳). این موضوع نیز می تواند در راستای مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی از اهمیت برخوردار باشد به طوری که اگر مدیر شرکتی علی رغم تقصیر، سهل انگاری نیز نماید بر حسب این نظریه مسئولیت خواهد داشت.

در قرن نوزدهم دادگاه ها در حقوق کامن لا سعی کردند تا حقوق خطاها را به حقوق خطا تبدیل کنند که یکی از این روش ها گسترش و تقویت قلمرو بی احتیاطی یا تقصیر (Negligence) و تبدیل آن به یک اصل کلی برای مسئولیت بود (Carol, ۲۰۰۵: ۵۰-۵۱). در حقوق آمریکا اصل واحدی مبنای مسئولیت قرار نگرفته است همان طور که مسئولیت مبتنی بر تقصیر در همه موارد پذیرفته نشده است، مسئولیت بدون تقصیر هم جایگزین آن نشده است. به نظر می رسد که در کامن لا در موارد غفلت و بی احتیاطی اساس مسئولیت بر تقصیر بنا شده است و در موارد خاص از جمله نگهداری اشیای خطرناک یا اقداماتی که کارشناسی ویژه ای نیاز دارد، مسئولیت بدون تقصیر پذیرفته شده است. غفلت و بی احتیاطی در حقوق کامن لا به مفهوم خودداری از انجام کاری است که انسانی متعارف و معقول در آن شرایط انجام می داد و نیز انجام کاری که انسانی معقول و متعارف در آن شرایط انجام نمی داد و تقریباً معادل تقصیر (Fault) در حقوق نوشته است. جز این که شامل تقصیر عمدی نمی شود. در دعوای جبران خسارت بر اساس بی احتیاطی (تقصیر) (Negligence) ابتدا باید ثابت شود خواننده یک تعهدی نسبت به خواهان داشته است، که فرد مقصر در خصوص لزوم اعمال مراقبت منطقی (Duty of care)، این تکلیف را نقض کرده است. در این راستا قاعده ای به وجود آمد تحت عنوان

اصل مجاورتی (Principle of neighbourhood) که زمانی اعمال می شد که یک تعهد به مراقبت وجود داشته باشد. به این معنا که اشخاص باید مراقبت منطقی اعمال کنند تا بدین وسیله از فعل یا ترک فعلی که به طور منطقی پیش بینی می کنند به دیگران آسیب می رسانند، جلوگیری کنند. اینکه چه کسی مجاور به حساب می آید، باید گفت اشخاصی که آن قدر نزدیک و مستقیم هستند را باید به عنوان افرادی که تحت تأثیر من قرار می گیرند در ذهن داشته باشیم و ملزم به اعمال مراقبت منطقی نسبت به آنها باشیم. در این قاعده ارتباط کافی و توالی عرفی میان طرفین رابطه ضروری می باشد. و منظور روابط نزدیک و بلاواسطه ای است که در آنها شخص از عمل متضمن تقصیر متأثر می شود (موسوی، ۱۳۸۸: ۴۴). لذا در هر قضیه ای قابلیت پیش بینی، توالی و منطقی بودن شرط لازم برای احراز تکلیف به مراقبت است. در نتیجه در نظام کامن لا مسئولیت ممکن است مبتنی بر قصد و عمد، غفلت و بی احتیاطی (Negligence) یا مسئولیت مطلق باشد. که در این سه نوع مسئولیت، مسئولیت ناشی از قصد و عمد و بی احتیاطی مبتنی بر تقصیر می باشد (امینی و محمدی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۱-۱۰). اما می بایست اشاره داشت که در برخی موارد سببیت نیز در شناسایی مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی نقش اساسی دارد (امینی و عنایت تبار، ۱۳۹۷: ۱۴). به نظر می رسد که مبنای مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی در حقوق آمریکا بر پایه ی قابل پیش بینی بودن ضرر و همچنین احراز تقصیر قاصر استوار است و از این دو حالت خارج نیست.

نتیجه گیری

نتایج حاصله از پژوهش حاضر را می توان در موارد ذیل عنوان نمود:

اولاً می توان در هر نظام حقوقی، مبانی مختلفی را در راستای مسئولیت مدیران شرکت های سهامی مورد مطالعه قرار داد و در این حیطه، ارکان مختلفی در راستای تحقق مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی را برشمرد. برای تحقق مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی می بایست ورود ضرر، تقصیر و رابطه سببیت احراز گردد و در صورت احراز سه رکن مزبور می توان عنوان نمود که مسئولیت مدنی مدیر محقق گردیده است؛ اما موضوع مقاله حاضر که مبنای مسئولیت مدنی مدیران شرکتهای سهامی در حقوق ایران و آمریکا است، بیان گردید که در هر دو حقوق نوشته ی مورد مطالعه، مبانی با توجه به منشاء آنها متفاوت است؛ اولاً مبنای مسئولیت مدنی مدیران شرکتهای سهامی در حقوق ایران برگرفته از فقه، قانون و نظریات و رویه ی حقوقی و قضایی است و در ثانی در حقوق آمریکا نیز قانون و رویه قضایی دو مبنای مهم را در راستای شناسایی مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی شکل می دهند و این امر باعث شده که در حقوق ایران، رویه واحدی در راستای ارزیابی مبانی مسئولیت مدنی مدیران شرکت های سهامی وجود نداشته باشد و این موضوع نقص و ایراد اساسی شناخته می شود.

ثانیاً موضوع مبانی مسؤلیت مدنی مدیران شرکتهای سهامی در حقوق ایران همچون مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، برگرفته از قواعد مهمی همچون قاعده لاضرر، تسبیب، اتلاف و غیره است و باعث شده که منشاء فقهی بر منشاء حقوقی یا رویه قضایی غالب باشد کما آنکه اکثر نظریات مطروحه در حقوق ایران و در راستای مسؤلیت مدنی مدیران شرکتهای سهامی منشاء فقهی دارد که این موضوع در حقوق آمریکا قدری متفاوت تر است و در حقوق آمریکا معیار سنجش مسؤلیت مدنی مدیران شرکتهای سهامی برحسب قابلیت پیش بینی بودن ضرر و درجه تقصیر ارزیابی می‌گردد. که این موضوع هم در حقوق آمریکا مشکل آفرین بوده و معیار قابلیت پیش بینی عرفی است تا اینکه قانونی باشد. با این حال نمی‌توان گفت که معیار قابلیت پیش بینی در حقوق آمریکا معیار مشخصی دارد و این قاضی است که در محکمه حکم می‌نماید که اعمال آن مدیریت شرکت سهامی مسؤلیت آور بوده یا خیر؟! علی‌هذا در راستای مسؤلیت مدنی مدیران شرکتهای سهامی می‌توان به معیارها و مبانی مختلفی در هر دو حقوق نوشته دست یافت.

تقدیر و تشکر

از کلیه ی اساتید و معلمان عزیزی که در راه کسب علم و اخلاق راهنمایم بودند، تشکر و سپاس فراوان دارم، علی‌الخصوص از اساتید بزرگوام جناب آقای دکتر علی رضا لطفی (استاد راهنما) و جناب آقای دکتر ابراهیم نوشادی (استاد مشاور) که اگر یاورم نبودند، هرگز این نوشته به انجام نمی‌رسید
"این مقاله مستخرج از رساله دکتری آقای توحید عبادی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل می‌باشد."

منابع

فارسی

۱. امینی، عیسی؛ محمدی نژاد، سمیرا (۱۳۹۱). «نقش تقصیر در مسئولیت مدنی و مقایسه آن با حقوق کامن لا»، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۸، دوره ۵، صص ۱-۲۲.
۲. امینی، منصور؛ عنایت تبار، رشید (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی سبب و مباشر در حقوق ایران و عامل مداخله گر در حقوق انگلستان»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۱، دوره ۹، صص ۱-۲۳.
۳. باریکلو، علی رضا (۱۳۹۳). مسئولیت مدنی، تهران: میزان.
۴. بیرمینگهام، ورا (۱۳۸۸). شبه جرم و مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان، مترجم سید مهدی موسوی، چ ۱، تهران: میزان.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲). ترمینولوژی حقوق، چ ۲۵، تهران: گنج دانش.
۶. حکمت نیا، محمود (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی در فقه امامیه (مبانی و ساختار)، چ ۱، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. حیاتی، علی عباس (۱۳۹۲). حقوق مدنی (مسئولیت مدنی)، چ ۱، تهران: میزان.
۸. خیاطی گرگری، ماهدیس (۱۳۹۵). شرایط مسئولیت مدنی پلیس در حقوق ایران و انگلیس، چ ۱، تهران: شهردانش.
۹. داراب پور، مهربان (۱۳۹۰). مسئولیت های خارج از قرارداد، چ ۲، تهران: مجد.
۱۰. ره پیک، حسن (۱۳۸۸). حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، چ ۲، تهران: خرسندی.

۱۱. ژوردن، پاتریس (۱۳۹۱). *اصول مسئولیت مدنی*، مترجم مجید ادیب، چ ۳، تهران: میزان.
۱۲. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۸). *حقوق تجارت*، ج ۲، چ ۱۳، تهران: دادگستر.
۱۳. صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب الله (۱۳۹۳). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، چ ۶، تهران: مجد.
۱۴. غلامعلی زاده، محمد (۱۳۹۳). *مسئولیت مدنی ناشی از وسایل موتوری*، چ ۲، تهران: شهر دانش.
۱۵. قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۹۰). *الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد*، چ ۹، تهران: میزان.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). *وقایع حقوقی - مسئولیت مدنی*، چ ۱۰، تهران: انتشار.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵). *ضمان قهری*، چ ۱، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. کاظمی، حمید (۱۳۹۳). «بررسی اصول مسئولیت در حمل و نقل، از نظریه تا عمل؛ نگاهی به موضوع در نظام کامن لا»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۱، دوره ۵، صص ۲۶۴-۲۴۵.
۱۹. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۸). *قواعد فقه (بخش مدنی)*، ج ۱، چ ۲۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۰. معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*، ج ۳، چ ۱، تهران: امیر کبیر.
۲۱. نعمت اللهی، اسماعیل؛ سادات سید علی روته، مریم (۱۳۹۸). «بررسی خسارت نفع محور ناشی از نقض قرارداد در کامن لا و حقوق ایران»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲، دوره ۱۰، صص ۸۰۳-۷۸۳.
۲۲. یزدانیان، علیرضا (۱۳۷۹). *حقوق مدنی (قلمرو مسئولیت مدنی)*، چ ۱، تهران: ادبستان.

Basics of evaluation and assignment of civil liability of managers in Iran and US joint stock companies

Timur Mohammadi, Alireza lotfi* and Ebrahim Noshadi

Department of Law, Ardabil branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran

Department of Law, Ardabil branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran*

Department of Law, Ardabil branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran